

تندبادی از سامراء

آشنایی با نهضت تنباکو



بسم الله الرحمن الرحيم
اليوم استعمل تنباكو و توتون
در حكومت ايران
مقامات و دولتمردان
مقامات و دولتمردان

آشنایی با قرارداد رژى (تالبوت)

در پی سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۷۲ هـ.ش. (۱۳۰۷هـ.ق.) که به تشویق وزیر مختار انگلیس در ایران، سرهنری درومند ولف انجام گرفته بود، دولت انگلیس فرصت مناسب را برای کسب امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دست آورد و زمینه‌سازی آن را به ماژور جerald تالبوت محول کرد. تالبوت در جریان پذیرایی از شاه و هیات همراه او، اطلاعات خودش را درباره محصول تنباکوی ایران تکمیل و سپس رایزنی در این زمینه را آغاز کرد.

ناصرالدین شاه که برای تأمین هزینه سفرهای خود به اروپا با مشکلات مالی مواجه بود، اعطای امتیاز موافقت کرد و پس از مراجعت به ایران در رجب ۱۳۰۷ هـ.ق. (مارس ۱۸۹۰ میلادی) قراردادی را با تالبوت - که با کمک دولت و عده‌ای از سرمایه‌داران انگلیسی، کمپانی رژى را با سرمایه‌ای ۶۵۰ هزار لیبره تأسیس کرده بود - منعقد نمود.

او برای اخذ امتیاز و شروع عملیات وسیع در ایران، شرکتی به نام "شرکت رژى" را با کمک دولت انگلیس و سرمایه‌داران انگلیسی تأسیس کرد. وی پس از تأسیس شرکت رژى، وارد ایران شد و مقدمات کار را به طور محرمانه آغاز کرد. تالبوت هر جا به مانعی برخورد می‌کرد، با دادن رشوه کارش را از پیش می‌برد. تا جایی که در مقطعی حتی به خود شاه نیز ۲۵ هزار لیبره رشوه داد و قرار گذاشت هر سال ۱۵ هزار لیبره به همراه یک چهارم سود خالص خود را نیز به شخص شاه هدیه (رشوه) بدهد.

سود شرکت انگلیسی را در این قرارداد سالانه ۵۰۰ هزار لیبره تخمین می‌زدند و این در حالی بود که این شرکت سالانه ۱۵۰ هزار لیبره به دولت ایران می‌پرداخت.

"بنابه روایتی امین السلطان صدراعظم به شاه اظهار داشت که بابت امضای قرارداد بیست و پنج هزار لیبره پاداش خواهد گرفت و هر سال نیز پانزده هزار لیبره عایدش خواهد شد، در این زمینه امین السلطان و کامران میرزا نایب السلطنه نیز رشوه‌های کلانی دریافت کردند. برپایه قرارداد، تالبوت هم چنین توافق کرد که ۲۵ درصد از سود حاصله را به ایران بدهد."

"دکتر ژوهانس فووریه فرانسوی که در آن هنگام به عنوان پزشک مخصوص ناصرالدین شاه مقیم دربار ایران بود در این باره چنین می‌نویسد: (امتیازی که ایران

را تهدید به انقلاب می‌کند ، به یک شرکت انگلیسی (کمپانی رژی) تفویض شده است و آن، امتیاز دخانیات است...این امتیاز دخانیات که بدون یک رشوه کلان در حدود دو میلیون به دست نیامده در ۲۱ مارس ۱۸۹۰ میلادی (۲۸ رجب ۱۳۰۷ ه.ق. به امضاء رسیده است)."

در آن سال‌ها بخش عظیمی از مردم ایران به کار خرید، فروش و کشت توتون و تنباکو مشغول بودند و سالانه ۴۳۵ تن، توتون و تنباکو به ترکیه، هند، افغانستان صادر می‌شد.

بدین ترتیب امتیاز تجارت توتون و تنباکو به مدت پنجاه سال به تالبوت اعطا گردید. این قرارداد همزمان با دوران صدارت میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان بود این امتیاز که به امضای شاه و سرهبری ولف رسید، دارای پانزده فصل بود که حکایت از اختیارات تام تالبوت در امور دخانیات ایران و بی‌اعتنایی به منافع ملت ایران داشت.

مفاد این عهدنامه

صورت فرمان امتیاز تنباکو و توتون منوپل خرید و فروش و ساختن در داخل یا خارج - کل توتون و تنباکویی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضاء این انحصارنامه به ماژور تالبوت و به شرکاء مشارالیه مشروط به شرایط آتی **واگذار فرمودیم:**

فصل اول- صاحبان این امتیازنامه همه ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی به خزانه عامره اعلی کارسازی خواهند نمود اعم از اینکه از این کار نفع ببرند یا ضرر، این پول هر ساله در پنج ماه از سال گذشته، پرداخته می شود.

فصل دوم- فقط محض تعیین از تنباکو و تننی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود صاحبان این امتیاز ثبت از زارعی که می خواهد عمل زراعت این امتیاز را بکند نگاه خواهند داشت و دولت علیه به حکام محلیه حکم اکیدی خواهد فرمود که زارعین تنباکو و تنن را مجبور به دادن ثبت نمایند و اذن و اجازه نامچه از برای فروش و معامله و غیره تنن و تنباکو و سیگار و انفیه و غیره حق خالص صاحبان این امتیاز است و احدی جز صاحبان این امتیازنامه حق صدور اجازه نامجات مزبوره ندارند و نخواهند داشت. اصناف تنن و تنباکو فروش که مشغول این حرفت اند در کسب و معاملات داخله خود برقرار خواهند بود مشروط به داشتن اجازه نامه که دارنده امتیاز خواهد بود.

فصل سیم- بعد از وضع جمیع مخارج متعلق به این عمل و تقسیم صدی پنج سرمایه خودشان بین صاحبان این امتیاز یک ربع منافع باقیمانده سال بسال تسلیم خزانه عامره اعلی خواهند نمود و دولت ایران حق واری به دفاتر هر ساله آنها خواهد داشت.

فصل چهارم- جمیع اسباب کارخانه و ملزومات این کار که صاحبان این امتیاز داخل ممالک محروسه می آورند از جمیع عوارضات گمرکی و غیره آزاد خواهد بود.

فصل پنجم- حمل و نقل تنن و تنباکو در ممالک محروسه بلااجازه صاحبان این امتیاز ممنوع است، مگر آنچه که مسافرین برای استعمال یومیه خودشان همراه داشته باشند.

فصل ششم - صاحبان این امتیاز باید جمیع تنن و تنباکوئی که در ممالک محروسه به عمل آورده می شود ابتیاع و در عوض آن نقد کارسازی نمایند تا آن درجه که قابل استعمال باشد باید تمام تنباکو و غیرها که فعلاً موجود است ابتیاع نمایند. قیمت که باید به عمل آورنده یا مالک داده شود دوستانه بین عمل آورنده یا مالک و صاحبان این امتیاز قرار خواهد شد، ولی در صورت عدم رضایت طرفین به حکمیت مرضی طرفین رجوع خواهد شد و حکم قطعی مجری خواهد شد.

فصل هفتم - دولت علیه متقبل می شود که به هیچ وجه علاوه و اجازه بر مالیات و عوارض و رسوم گمرکات حالیه درباره تنن و تنباکو و سیگار و سیگارت و انفیه تا انقضای مدت پنجاه سال از تاریخ امضای این امتیازنامه ننمایند. همچنین دارنده امتیاز و شرکای او متعهدند که تمام رسوماتی که بالفعل از تنباکو عاید دولت علیه ایران می شود کماکان عاید گردد.

فصل هشتم - هر کس یا کسانی که بخواهند از این فصل گریزی اختیار نمایند مورد سیاست و مجازات دولت خواهند شد و هر کس یا کسانی که در پیش آنها خفیهً تنباکو و تنن و غیره به جهت فروش پیدا بشود نیز به جریمه و سیاست سخت دولت گرفتار خواهند شد. دولت علیه حمایت و تقویت صریح هر چه تمام تر خود را درباره جمیع عمال صاحبان این امتیاز مرعی خواهند نمود و صاحبان این امتیاز تعهد می نمایند که به هیچ وجه از حقوق خود موافق این اختیارنامهچه تجاوز ننمایند.

فصل نهم - صاحبان این امتیاز مختار خواهند بود تمام حقوق یا امتیازات و یا تعهدات و غیره خود را به هر کس یا کسانی که میل دارند منتقل نمایند، ولی قبل از وقت به اولیای دولت علیه اطلاع خواهند داد.

فصل دهم - عمل آورنده یا مالک تنن و تنباکو هر وقت تنن یا تنباکوی خود را حاصل نمود باید خود به نزدیک ترین وکیل صاحبان این امتیاز اطلاع بدهد که حاصل ایشان به چه مقدار است تا اینکه صاحبان این امتیازنامه بتوانند تعهدات مقرره فوق را در فصل ششم بموقع اجرا گذارند و آن را به زودی ابتیاع نمایند.

فصل یازدهم - صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ابتیاع نمایند، مگر به اندازه لزوم اجرای این امتیازنامه به جهت انبار و مورد لزوم آن.

فصل دوازدهم -زارعین بر طبق تفصیل شروطت که از جانب صاحبان این امتیاز به همراهی دولت مقرر می شود و محق می باشند به اندازه فی برای حاصل خود پیشگی به آنها داده شود.

فصل سیزدهم -اگر از تاریخ امضاء این امتیازنامه تا انقضاء مدت یک سال کمپانی اجزای آن تشکیل نشود و شروع به کار نشود این امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط و باطل خواهد شد، مگر این که جنگ یا امثال آن که مانع تشکیل کمپانی باشد واقع شود.

فصل چهاردهم -در صورت وقوع اختلاف مابین دولت علیه ایران و صاحبان امتیاز، آن اختلاف رجوع به حکمیت مرضی الطرفین خواهد شد و در صورت عدم امکان رضایت طرفین حکم اختلاف را رجوع به حکمیت قطعی حکمی به تعیین یکی از نمایندگان دولت آمریکا یا آلمان یا اطریش مقیم طهران خواهد شد.

فصل پانزدهم -این امتیازنامه به دو نسخه فیما بین دولت علیه ایران و ماژور تالبوت به امضاء اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و ثبت وزارت امور خارجه مبادله شده و مضمون فارسی آن محل اعتنا خواهد شد.

اقدامات کمپانی رژی

کمپانی رژی در آغاز به صورت ناشناخته به فعالیت می‌پرداخت. حدود یک سال طول کشید تا موسس شرکت رژی بتواند دستگاه‌ها و تاسیسات خود را در ایران نصب کند. در این مدت، انعقاد قرارداد کاملاً محرمانه باقی ماند و غیر از شاه و دست‌اندرکاران قرارداد و آن‌هایی که رشوه گرفته بودند، کسی از ماجرا خبر نداشت.

هنگامی که به استناد فصل نهم امتیازنامه - که صاحب امتیاز را مجاز به واگذاری حقوق خود به دیگری می‌کرد - امتیاز خود را به «شرکت شاهنشاهی تنباکوی ایران» فروخت، با مخالفت‌های گسترده‌ای از سوی مردم و روحانیون مواجه شد.

در این زمان انتشار اعلامیه‌ای رسمی از سوی دولت که واگذاری امتیاز تنباکو را تذکر می‌داد و در عین حال به زارعین توتون و تنباکو نیز وعده‌ی خرید عادلانه و نقدی محصولات آنها را می‌داد، موج گسترده‌ای از نارضایتی را دامن زد. روزنامه فارسی زبان اختر که در عثمانی منتشر می‌شد، طی مصاحبه‌ای با تالبوت، تفاوت فاحش امتیاز دخانیات ایران را با امتیازی که کمپانی رژی از عثمانی گرفته بود، یادآور شد و ضمن انتقادهای گسترده از دولت، تبعات و پیامدهای قرارداد را برای مردم ایران روشن ساخت.

با توجه به این مطلب که توتون و تنباکو از مهمترین اقلام تجاری و صادراتی ایران بود، بنابراین انحصار خرید و فروش این محصول به یک شرکت انگلیسی منافع بسیاری از مردم ایران را به خطر می‌انداخت. به همین سبب نخستین اعتراض‌ها را تاجران دخانیات آغاز کردند که تجارت شان مستقیماً در معرض تهدید کمپانی رژی بود. در آغاز عده‌ای از بازرگانان به همراه امین‌الدوله نزد شاه رفتند و به انحصار تجارت تنباکو اعتراض کردند.

این اعتراض موجب شد که دولت به انگیزه‌ی دلجویی از آنان مهلت شش ماهه‌ای برای فروش ذخایر توتون و تنباکوی تاجران قایل شود. با این حال مهلت فوق نیز نمی‌توانست خسارات ناشی از واگذاری امتیاز را جبران سازد. در این بین روس‌ها نیز که در منطقه‌ی ساوجبلاغ به کشت تنباکو اشتغال داشتند به امتیاز فوق اعتراض کردند و آن را ناقض عهدنامه‌ی ترکمانچای خواندند و خواستار لغو آن یا عقد قرارداد مشابهی شدند.

اواخر سال ۱۲۷۳ ه.ش. (اوایل رجب ۱۳۰۸ ه. ق) ، تالبوت همراه افراد زیادی وارد ایران شد تا عملاً کار خود را شروع کند. پس از آنکه شرکت رژی حدود ۲۰۰ هزار نفر از اتباع دولت بریتانیا و مستعمرات آن را به عنوان کارکنان شرکت به ایران آورد و به شهرهای مختلف فرستاد ، زنگ هشدار برای ایرانیان به صدا درآمد. چرا که با حضور آنها در حدود ۱۰۰ هزار مبلغ مسیحی وارد ایران شدند و ضمن بنای کلیسا در مناطق مختلف، دختران ایرانی را نیز به امور پرستاری در بیمارستان‌ها و بی‌حجابی واداشتند. در تهران و اکثر شهرها مراکز فساد برپا کردند و کافه‌هایی با انواع وسایل قمار و رقص‌های محلی و مشروبات الکلی پدید آوردند.

علاوه بر این، انگلیسی‌ها هر جا که می‌رفتند، سوار، اسب ، اسلحه و مزدور اسلحه به دست خود را نیز می‌بردند و این همان شیوه‌ای بود که انگلیسی‌ها در تصرف هند و ایجاد کمپانی هند شرقی و سپس حضور نظامی به بهانه حفظ امنیت این کمپانی و در نهایت مستعمره نمودن هند به کار گرفته بودند.

شروع اعتراضات

اقدامات فوق، عالمان دینی را به دلیل متزلزل شدن اساس دین و استقلال کشور توسط قدرت بیگانه و مغایرت امتیازات با قرآن مجید (قاعده‌ی نفی سبیل)، به تحریم تنباکو ترغیب نمود. در واقع دلیلی اصلی مخالفت علما با این امتیاز، افزون بر جنبه‌ی تجاری آن و اختلال در نظام بازرگانی کشور، نگرانی از نفوذ تدریجی و سلطه‌ی کامل بیگانگان بر ایران بود که از تجربه‌ی کمپانی هند شرقی ناشی می‌گردید. به همین سبب مردم مسلمان ایران با این اندیشه که انگلیسی‌ها قصد دارند، کمپانی رژی را به کمپانی هند شرقی و ایران را همانند هند به مستعمره‌ی خود تبدیل کنند، به مخالفت گسترده پرداختند.

در آن زمان معیشت بسیاری از مردم از طریق فروش توتون و تنباکو تأمین می‌شد و زارع و تاجر هیچ نوع اختیاری در تولید و فروش این محصول نداشتند. بنابراین رفته رفته موج اعتراضات در نقاط مختلف ایران خصوصاً شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز... آغاز شد و برخی از تاجر از فروش محصول خود به شرکت رژی خودداری کردند. در فارس که گفته می‌شود مرغوب‌ترین تنباکوی ایران را داشت بعضی از تاجر محصول خود را برای اینکه به دست بیگانه ندهند به آتش کشیدند.

علاوه بر ضرر اقتصادی خطر عمده‌تری که برخی احساس می‌کردند، حضور فرهنگ اروپایی در کشور اسلامی بود که حساسیت‌های بسیاری را بر می‌انگیخت. هجوم گروه بزرگی از اروپایی‌ها به ایران، حتی شکل ظاهری شهر و بازار را تغییر داد و بسیاری را به این نتیجه رساند که گویی تاسیس شرکت و امتیاز انحصاری توتون و تنباکو فقط بخشی از ماجراست و هدف اصلی‌تر این است که فرهنگ اروپایی در ایران رواج یابد و ایران به تدریج به مستعمره بریتانیا تبدیل شود.

دربار قاجار از همان لحظه امضای قرارداد با اعتراض و مخالفت سه طبقه زارع، تاجر و مصرف‌کننده، رو به رو شد اما نخستین گام جدی اعتراض را تاجر، کسبه و دست‌اندرکاران صنعت تنباکو برداشتند. از هر شهری فریادی برخاست و فریادها رفته رفته سطح مملکت را فرا گرفت. در این زمان بین روحانیون و بازرگانان همکاری نزدیکی به وجود آمد. علما خواسته‌های بازرگانان در مبارزه با رژیم ناصری را کاملاً مطابق شرع اسلام می‌دیدند. مخالفت علما با اعطای امتیاز به کمپانی رژی، بر شدت اعتراض‌ها تاثیر مهمی گذاشت.

پس از اوج گرفتن مخالفت و درگیری، اقشار مختلف مردم به علمای دینی در شهرهای مختلف رجوع کرده و کسب تکلیف نمودند؛ به طور مثال در اصفهان به آیت‌الله نجفی اصفهانی، در شیراز به سیدعلی اکبر فال اسیری، در تهران به شیخ فضل‌الله نوری و میرزا حسن آشتیانی، در تبریز به میرزا جواد مجتهد تبریزی متوسل شدند.

با اوج گرفتن درگیری ها مردم شهرهای مختلف به رهبری روحانیت به مخالفت و مقابله پرداختند و جنبش هایی در شیراز، به رهبری "سید علی اکبر فال اسیری" ، در تبریز به رهبری "حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی" در اصفهان، به رهبری " حاج شیخ محمدتقی آقاجفی" (که اولین بار حکم تحریم تنباکو را صادر کرد) و در تهران ، به رهبری "شیخ فضل‌الله نوری" و "میرزا حسن آشتیانی" برپا شد که با سرکوب دولت مواجه شد و عده ای از علما تبعید شدند.

در این موقع سید جمال الدین اسدآبادی به پیشنهاد سیدعلی اکبر فال اسیری که در تبعید بود، نامه ای در این رابطه به میرزای شیرازی نوشت. بعد از ارسال نامه یاد شده میرزای شیرازی تلگرافی به نزد شاه فرستاده و می گوید کسانی را که تبعید کرده به کشور بازگرداند و در مورد قرارداد، مخالفت خود را ابراز کند، اما ناصرالدین شاه به این تلگراف اعتنایی نکرد و از سوی دیگر عده‌ای از مردمان آزاده مازندران دست به شورش زدند و عمال شاه با سرکوب و کشتار آنان، بر وخامت اوضاع افزودند.

لغو قرارداد رژی

این چنین بود که حکم تحریم تنباکو در عبارتی کوتاه و به شیوه‌ای مؤثر و محرک و حساب شده از سوی میرزای شیرازی به شرح زیر صادر شد: «بسم الله الرحمن الرحيم. اليوم استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان (عج) است. حرره الأقل محمد حسن الحسينی»

مردم و علما برای کسب اطمینان از صحت حکم ، تلگراف‌ها و نامه‌هایی به سامرا محل اقامت مجتهد بزرگ اسلام فرستادند. در پاسخ آنان میرزا حسین نوری، محدث و فقیه مشهور که از شاگردان و معتمدان میرزای شیرازی بود، در تلگرافی برای داماد خود شیخ فضل الله نوری صحت حکم و صدور آن را تایید کرد.

صدور فتوای تحریم تنباکو، غوغایی به پا کرد و قیام مردم در سراسر ایران گسترش یافت. بعد از صدور فتوای تحریم، علاوه بر اینکه هیچ کس توتون و تنباکو را در مخفی‌ترین محل استعمال نکرد، قلیان‌ها و چندین بادگیر طلا و نقره توسط صاحبانشان شکسته شد. چنانکه ناصرالدین شاه روزی در حرمسرای خود دید زن‌هایش به کنیزان خود امر می‌کردند که آن‌ها را در هاون نهاده و بشکنند! وی گفت: شما را چه می‌شود که این طور می‌کنید؟ یکی از زن‌ها گفت: آن کس که ما را به تو حلال کرده، قلیان را به ما حرام کرده!

شاه روش خشونت آمیزی در برابر مردم و علما در پیش گرفت تا بلکه تصمیم علما و مردم را عوض کند اما نتیجه‌ای نگرفت و مجبور شد اعلام کند: امتیاز داخله را که برداشته بودیم حال امتیاز از خارجه را هم برداشتیم و مردم مجبور به کشیدن قلیان نیستند تا حکم از جانب میرزای شیرازی برسد.

در ادامه این جریانات اعلانی در کوچه و بازار زده می‌شود که: " بر حسب حکم جناب میرزای شیرازی، اگر تا ۴۸ ساعت دیگر امتیاز دخانیات لغو نشود یوم آتیه جهاد است، مردم مهیا شوید."

چنین بود که سرانجام شاه و امین‌السلطان از بیم شورش مردم و اعلام جهاد عمومی توسط علماء، امتیاز این قرارداد را در ۲۴ اردیبهشت ۱۲۷۵ (شانزدهم جمادی‌الاول سال ۱۳۰۹ قمری) لغو کردند و امین‌السلطان طی تلگرافی به ولایات، الغای قرارداد تنباکو و آزادی کشت و تجارت توتون و تنباکو را اعلام کرد.

در نهایت اعلامیه‌ای دائر بر لغو امتیاز تنباکو منتشر شد و میرزا نیز حکم تحریم را لغو کرد و به این ترتیب جنبش و مقاومت مردم و وحدت بین روشنفکران دینی و علمای دینی با پیروزی ملت ایران خاتمه یافت.

متعاقب آن شیخ فضل الله نوری در نامه‌ای به میرزای شیرازی از وی در باب بقای حکم پس از الغای امتیاز سوال کرد و میرزا در پاسخ صریح خود تاکید فرمود که در صورت لغو امتیاز (به تعبیر وی : اختصاص)، رفع حکم نیز بلامانع است. این سند تاریخی عملاً نشان می‌دهد صدور حکم صحیح بوده و مبنای علما در پایان دادن به تحریم دخانیات پس از لغو امتیاز بود.

با لغو قرارداد، مردم این پیروزی را جشن گرفتند، با این حال تا لغو تحریم از سوی میرزای شیرازی، همچنان تنباکویی استعمال نشد. بدین ترتیب تحریم تنباکو تا تاریخ ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۰۹ هجری قمری ادامه یافت و در این روز بود که حکم تحریم دخانیات از سوی میرزای شیرازی لغو شد.

از این رو می توان تحریم تنباکو را که در پی حکم آیت‌الله میرزای شیرازی شکل گرفت، به عنوان سرسلسله جنبش‌های آزادی خواهانه در تاریخ معاصر ایران به شمار آورد. چرا که مخالفت با واگذاری امتیاز تجارت تنباکو به بیگانگان، بسترهای همراهی تجددخواهان و روحانیون را در کنار مردم به وجود آورد و آنها را به قیام علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی ترغیب نمود.

جنبش تنباکو که نمونه‌ای موفقیت آمیز از یک حرکت عمومی در تاریخ معاصر ایران است، پیروزی خود را مرهون پیوند ویژه‌ی رهبران مذهبی و مردم بود. در واقع جنبش تنباکو که در نهایت به انقلاب مشروطه و امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی انجامید، یک بار دیگر پیوند دیرپای روحانیت اصیل و مردم را نشان داد.

این پیوند که از یک سو پایه‌های مشروعیت سلطنت را متزلزل ساخته بود، از سوی دیگر اقتدار سیاسی روحانیت را نیز افزایش داد و روحانیت را به عنصر اصلی هدایت کننده مقاومت‌های مردمی علیه استعمار و استبداد مبدل کرد.

به طوری که پس از فتوای آیت‌الله شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو، روحانیت در تمام امور اجتماعی و سیاسی ایران نقش داشته است؛ که از آن جمله می توان به حضور روحانیت در نهضت مشروطه، ملی شدن صنعت نفت، مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مخالفت با لایحه کاپیتولاسیون، مخالفت با انقلاب سفید شاه و مردم، واقعه ۱۵ خرداد ۴۲، رهبری انقلاب اسلامی، حوادث پس از انقلاب و ... اشاره نمود.

در حوزه اقتصادی نیز به تبعیت از قیام توتون و تنباکو اقداماتی جهت استقلال اقتصادی و همچنین در جهت تامین کالاهای مورد نیاز در داخل کشور، صورت گرفت که از آن جمله می توان به تاسیس شرکت مسعودیه و بعد ها شرکت اسلامییه با محوریت شهر اصفهان نام برد. این

اقدامات با واکنش های کشور های غربی به خصوص انگلیس همراه بود چراکه منافع خود را در معرض خطر می دید و تمام تلاش خود را جهت کارشکنی در مسیر این حرکت های استقلال طلبانه به کار می گرفت.

بر این اساس نهضت تنباکو از یک سو سند گویایی بر رهبری روحانیت مبارز و مقاومت و همبستگی مردم متعهد این سرزمین در پاسداری از ارزش های اسلامی و دفاع از استقلال و آزادگی است؛ و از سوی دیگر با ماهیتی ضد استعماری و همراه با انگیزه های اسلامی، نقش مهمی در تاریخ معاصر ایران و بیداری مردم این سرزمین ایفا نموده است.

میرزای شیرازی

آیت‌الله میرزا محمد حسن شیرازی، از علما و مراجع بزرگ در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود که با فتوای خود، نقش مهم روحانیت را در بیداری مردم و جایگاه مرجعیت و روحانیت در برابر استکبار را ثابت کرد.

این مرجع عالی قدر پس از صدور فتوای خود، از چنین جایگاهی ابراز نگرانی کرد زیرا بر این اعتقاد بود که مستکبران تاریخ پس از صدور فتوای لغو تنباکو توسط مرجعیت، به جایگاه حقیقی روحانین در انقلاب‌های مردمی پی بردند و حساسیت ویژه‌ای در برابر موضع روحانیت از خود نشان خواهند داد.

آیت‌الله میرزا محمد حسن شیرازی در سال ۱۲۳۰ ه. ق در شیراز چشم به جهان گشود و از چهارسالگی شروع به تحصیل کرد و در سن ۸ سالگی مقدمات را به پایان برد.

میرزای شیرازی در ۲۹ سالگی وارد کربلا شد و پس از آن به نجف اشرف عزیمت کرد و در درس شیخ اعظم، انصاری، شرکت کرد و از خواص شاگردان او شد که پس از رحلت شیخ مرتضی انصاری در ۱۲۸۱ ق. زعامت شیعه به میرزای بزرگ شیرازی محول گردید و ایشان نزدیک به ۳۰ سال در این مقام به رفع مشکلات مردم و اداره حوزه‌های علمیه مشغول بود. میرزای شیرازی همزمان با رهبری جامعه اسلامی، شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی تقدیم و کتب متعددی را تألیف کرد.

حضرات آیات عظام سید محمد کاظم یزدی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی معروف به میرزای دوم، شیخ فضل‌الله نوری، حاج میرزا حسین نوری، میرزا اسماعیل شیرازی و ده‌ها عالم بزرگوار از جمله شاگردان این فقیه بزرگوار می‌باشند. سرانجام، میرزای بزرگ در ۸۲ سالگی در چشم از جهان فرو بست و در جوار مرقد منور حضرت امیرالمومنین(ع) به خاک سپرده شد.

بیانات رهبری

عالم باهوش و دقیق

ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریانات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ بخصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاست ها عوض شد و دولت های اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند.

هرگاه ما عالم دین و تقیّ و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آن جا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعهی اسلامی را تحت فشار قرار می داد. ۶۸/۴/۲۰

حرکت پرمعنا و پرمغز

آن عالم بزرگ تاریخ روحانیت و پرچمدار یک مبارزه‌ی پرمغز و پرمعنا علیه مراکز فساد و کانونهای طغیان و انحراف. حرکت میرزای شیرازی - که برخلاف بسیاری از حوادث صدوپنجاه سال اخیر، متأسفانه هنوز کار درست و کاملی درباره‌ی آن نشده است - یک حرکت ذوابعد و پرمعنا و بسیار پُربرتک بوده است. آن یک سطری که میرزای شیرازی نوشت و آن روز بساط کمپانی انگلیسی را از ایران برچید و سلطه‌ی استعماری را موقتاً از کشور قطع کرد، یک مبارزه‌ی چند جانبه بود:

اولاً، مبارزه با دستگاه استبدادی سلطنت مطلقه‌ی ناصرالدین‌شاهی بود که در اوج خود هم بود؛ یعنی تا آن روز چهل و چند سال بود که آن پادشاه ظالم بر ایران حکومت مطلقه می کرد و حقیقتاً هیچ چیز هم جلودار او نبود. مفساد حکومت ناصرالدین‌شاهی، هم دامنه‌ی اقتصادی داشت، هم دامنه‌ی سیاسی داشت، هم دامنه‌ی معارفی و دینی داشت؛ مثلاً یکی از اهداف ناصرالدین شاه - طبق اسنادی که امروز در اختیار هست - این بود که نفوذ علما را در جامعه کم کند. بعضی از غرب زده‌ها و قدرت زده‌های زمان ما می خواستند مبارزه‌ی رضاخان با روحانیت را به حساب جریانات روشنفکری بگذارند؛ که بله، رضاخان می دید که علما مرتجعند و چون می خواست کشور را نوسازی کند، لذا با علما مبارزه می کرد! معلوم می شود که این

قضیه این‌طورها نیست؛ مسأله‌ی مبارزه‌ی با علما، در دستور کار همه‌ی سلاطین مستبد بود؛ نمی‌توانستند در کنار و روبه‌روی خود کانون قدرتی را تحمل کنند که تا اعماق دل مردم نفوذ دارد. رضاخان با همان انگیزه‌ای با علما برخورد می‌کرد که ناصرالدین شاه می‌خواست برخورد کند. در همین قضیه، میرزای بزرگ (رضوان‌الله‌علیه) قبلاً یکی، دو نامه به ناصرالدین شاه نوشت و او را از این کارها نهی کرد؛ اما او با تعبیرات توهین‌آمیز و سبکی به میرزا جواب داد: شما مشغول درس و کار خودتان باشید؛ به این کارها کاری نداشته باشید! می‌بینید که این عبارت هم عبارت آشنایی است و در طول این صد و چند سال، طرفداران قدرت مطلقه‌ی شخصی، بارها آن را به علما گفتند: بروید مشغول مدرسه و مسجد خودتان باشید؛ به سیاست چه کار دارید؟! پس ناصرالدین شاه دارای یک حکومت مطلقه و مستبده‌ی فردی بود که با اخلاق و اقتصاد و دین و روحانیت محبوب مردم معارضه و ناسازگاری داشت. بنابراین، یک بعد فتوای میرزای شیرازی، مبارزه با این خودکامه و کشیدن دندان قدرتمند این پلنگ تیزدندان بود؛ و حقیقتاً دندان او کشیده شد و قدرت او کم شد. این قضیه مربوط به سال ۱۳۰۸ هجری است؛ یعنی چهار سال پیش از رحلت میرزا و تقریباً پنج سال پیش از مرگ ناصرالدین شاه. ثانیاً، مبارزه‌ی با استعمار و نفوذ خارجی‌ها در این کشور بود. در چند سال آخر عمر ناصرالدین شاه - سالهای اول قرن چهاردهم؛ یعنی از سال ۱۳۰۰ به بعد - کار دربار ناصرالدین شاه، امتیاز دادن به این دولت و آن دولت، این کمپانی و آن کمپانی، و گرفتن پول و فروختن مملکت شده بود؛ مثل امتیاز روپتر و همین امتیاز تنباکو و غیره! با آن حرکت عظیم میرزا و آن فتوای کوبنده، جلوی این انحصارها و امتیازها و دخالت‌های خارجی هم گرفته شد.

ثالثاً، مبارزه‌ی با غرب زدگانی بود که در همان ایام، تازه شروع به ایجاد جریان‌های فکری در داخل کشور کرده بودند و روی خودشان نام «روشنفکر» گذاشته بودند؛ از قبیل میرزا ملکم‌خان (۲) و امثال او؛ که اینها نه فقط با این حرکت خیانت‌بار ناصرالدین شاه مبارزه نکردند، بلکه همین شخص نامبرده - که او را به اصطلاح بنیانگذار و پدر روشنفکری در ایران دانسته‌اند - حتی خود دلال انحصارات خارجی هم بود! آنهایی که دم از روشنفکری و دفاع از منافع ملت می‌زدند، آن‌طور برخورد کردند؛ اما روحانیت و در رأس آن میرزای بزرگ، این‌گونه قاطع و کوبنده با همه‌ی اینها مبارزه کرد؛ این پرچم پُرافتخاری است که میرزای شیرازی آن را بلند کرد و بعد از او این پرچم نخواستید. اگرچه قبل از میرزا هم از این‌گونه قضایا بود - زمان میرزای قمی، (۳) زمان کاشف‌الغطاء (۴) و دیگران و دیگران، که در

دفاع از منافع ملت اسلامی و اسلام و مسلمین و ورود در مسائل اجتماعی سعی وافری داشتند - لیکن نمونه‌ی کامل آن، این حرکت بود. بعد از میرزا نیز شاگردان او و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی نجف و کربلا و سامرا و قم و بقیه‌ی مراکز اسلامی، هرجا که محل حضور یک رهبر اسلامی و حضور قدرتمندانه‌ی اسلام بود، اینها حضور داشتند؛ و این یکی از عجایب تاریخ ایران است؛ و عجیب‌تر این است که این حادثه برای مردم ما شناخته شده نیست! مردم ما نمی‌دانند که وقتی ایتالیایی‌ها وارد لیبی شدند و آن کشور را اشغال کردند، مرحوم سیدمحمد کاظم طباطبایی(۵) - صاحب عروه - و بعضی دیگر از مراجع قم، به نفع مردم مسلمان لیبی و علیه ایتالیایی‌ها فتوای جهاد دادند. مردم نمی‌دانند که وقتی انگلیسی‌ها در بوشهر نیرو پیاده کردند، مرحوم آیة‌الله‌العظمی سید عبدالحسین لاری(۶) - آن ملای مجاهد طراز اول - اعلام جهاد داد و مردم را مسلح کرد و خودش نیز مسلح شد و پیشاپیش مردم حرکت و جهاد کرد. مردم ایران نمی‌دانند که مرحوم شیخ‌الشریعی اصفهانی(۷) - مرجع تقلید بزرگ ساکن نجف - فتوا داد که استعمال اجناس مصنوعه‌ی در داخل کشور لازم است و مردم باید از استفاده از مصنوعات خارجی اجتناب کنند، تا به این ترتیب دیگران در داخل کشور نفوذ نکنند. همه می‌دانند که در ژاپن، حدود صد سال پیش از این گفتند که مردم حق ندارند از مصنوعات خارجی استفاده کنند، تا در داخل آن کشور چرخ اقتصاد به کار بیفتد؛ اما نمی‌دانند که در همان زمان، بلکه زودتر از آن، عین همین پیشنهاد و همین فتوا، از طرف مراجع و علمای شیعه صادر شد؛ منتها متأسفانه در داخل کشور، هیچ کس از سرجنبانها و اهل قلم و اهل سیاست و روشنفکران کمکشان نکرد! فتوای میرزای شیرازی دوم - مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی - در مقابله‌ی با انگلیسی‌ها و فتوای تحریم انتخابات قلابی انگلیسی‌ها در عراق، نمونه‌ای دیگر از حضور علما در صحنه‌ی سیاست است. آن روز مرحوم شریعت اصفهانی فتوا داد که شرکت در انتخابات قلابی انگلیسی‌ها حرام است؛ کار سیاسی از این روشن‌تر، از این قوی‌تر، از این روشن‌بینانه‌تر؟ امروز مسأله‌ی آن انتخابات یواش یواش دارد از لابلای کتاب‌ها خارج می‌شود! آن علما و مراجع، سلف صالح شما هستند. این است معنای آن مطلبی که امام بزرگوار ما مکرر می‌فرمودند که علما پیشوایان نهضت مردم علیه ظلم و استبداد در طول سالیان متمادی بوده‌اند و اینهاست که به شخصیهایی مثل مرحوم سیدحسن مدرس(۹) و مرحوم آیة‌الله کاشانی(۱۰) منتهی شد؛ اینها طلبه‌های همان مدرسه و شاگردان همان اساتید بودند که این‌طور در ایران درخشیدند.

ضدبیگانه

وقتی به علما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم سابقه‌ی فعالیت علما خیلی بیش از دوره‌ی مشروطیت است. شاخصه‌ی آن فعالیت‌های قبلی، «ضد بیگانه بودن» بود. اصلاً وجه ضد استبدادی در فعالیت‌های علما، یک وجه منظوی در جنبه‌ی ضد بیگانه و ضد استعماری بود. مثلاً فتوای مرحوم میرزای شیرازی، اقدام مرحوم ملاعلی کنی در قضیه‌ی رویتر و از این قبیل. ۸۵/۲/۹

برق‌هایی در تاریکی

وجدان‌های بیدار و شخصیت‌های بزرگی پیدا شدند که هشدارهایی دادند؛ برق‌هایی در آسمان تاریک و ظلمانی زندگی این کشور جهانند که روشنی‌هایی به وجود آمد؛ بیداری‌هایی به وجود آمد که یک نمونه‌اش مخالفت میرزای شیرازی با کمپانی رژی معروف بود که در واقع همه‌ی کشور را بتدریج می‌بلعید و می‌خواست سرنوشتی مثل سرنوشت استعماری هندوستان برای ایران رقم بزند. ۸۶/۲/۱۹

دستگاه منظم

از میرزای شیرازی بیش از یک عکس باقی نیست و آن همان عکسی است که در حال نماز ایشان برداشته‌اند؛ کم‌این‌که از مرحوم آقا سید عبدالحسین هم یک عکس موجود است که در حال نماز از ایشان برداشته‌اند. انسان در آن عکس، پشت سر میرزای شیرازی، آقا سید محمدکاظم یزدی را می‌بیند. چند نفر از این بزرگان و معاریف شاگردان میرزا نشستند. من در آن عکس، سید عبدالحسین لاری را - به احتمال زیاد - شناسایی کردم و به نظر می‌رسد که ایشان در ردیف اولند. در دستگاه میرزای شیرازی، همه چیز منظم و مرتب بوده؛ یعنی بلاشک هر کس در صف اول نماز و پشت سر ایشان می‌نشسته، در ردیف اول محسوب می‌شده است.

کمالین که شرعاً مستحب است که اهل فضل و معنویت، پشت سر امام بنشینند که اگر برای امام در حال نماز، حادثه‌ای پیشامد کرد، مردم بعد از او، یک امام قطعی داشته باشند که بایستد و پشت سر او نماز را ادامه دهند. ۱۳۹۱/۱۲/۱

بیدار

در همه‌ی حوادث عالم چند عنصر را باید در کنار هم دید: یکی نگاه به عوامل اولی، یعنی عوامل بالادستی حادثه است: انگیزه‌ها، هدفها، زمینه‌های تاریخی، زمینه‌های جغرافیائی و جغرافیای سیاسی؛ اینها چیزهائی است که در شناخت حادثه تأثیر دارد. در حادثه‌ی انقلاب ما، آن عنصر اول عبارت است از همان ایمان مردم، مبارزات آزادیخواهانه و جرقه‌های این مبارزات - که در مشروطیت و در تحریم تنباکو به وسیله‌ی میرزای شیرازی و در نهضت ملی شدن صنعت نفت و در حوادث گوناگون دیگر، این زمینه‌های تاریخی وجود پیدا کرد - و بیداری روحانیت مبارز و شخص امام بزرگوار که از این زمینه‌ها بهترین استفاده را کرد و این حرکت به راه افتاد. این، آن پیش‌زمینه است. ۹۲/۲/۱۱

وجدان های بیدار و شخصیت‌های بزرگی
پیدا شدند که هشدارهایی دادند؛ برق
هایی در آسمان تاریک و ظلمانی زندگی
این کشور جهانند که روشنی‌هایی به
وجود آمد؛ بیداری‌هایی به وجود آمد که
یک نمونه‌اش مخالفت میرزای شیرازی با
کمپانی رژی معروف بود که در واقع همه
کشور را به تدریج می‌بلعید و می‌خواست
سرنوشتی مثل سرنوشت استعماری
هندوستان برای ایران رقم بزند.

امام خامنه‌ای ۱۹ / ۲ / ۱۳۸۶

مرکز گفتمان سازی اقتصاد مقاومتی
قرارگاه شهید باقری-سازمان بسیج دانشجویی
آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع مفتوح،
سازمان بسیج دانشجویی، ساختمان شهید باقری
شماره تماس: ۰۲۱ - ۸۸۳۸۱۵۵۶
سامانه پیامکی: ۰۳۵۲ ۶۶۰۰۰۰



قرارگاه شهید باقری بسیج دانشجویی